

رابطه بین سبک دلبستگی و نگرش به مواد: نقش تعدیل کننده ویژگی‌های شخصیت

مهديه رحمانیان^۱، مریم زمانی^۲، هوشنگ علیبازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۳

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کنندگی خصوصیات شخصیت بر رابطه بین سبک دلبستگی و نگرش به مواد می‌باشد. **روش:** به این منظور ۱۹۰ نفر از دانشجویان جدیدالورود نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب به روش تصادفی انتخاب شدند و مقیاس دلبستگی بزرگسال، پرسشنامه شخصیت آیزنک و پرسشنامه نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر را تکمیل نمودند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد فقط سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نگرش به مواد باشد و ویژگی شخصیت روان‌نژندی به طور معناداری تعدیل‌کننده این رابطه می‌باشد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این تحقیق می‌تواند کاربردهایی جهت تدوین درمان و برنامه‌های آموزشی برای پیشگیری از مصرف مواد در جمعیت آسیب‌پذیر داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، نگرش به مواد، روان‌نژندی

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، پست الکترونیک: mahdiehrhmn@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

۳. کارشناس ارشد روانشناسی، مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

سوء مصرف مواد اختلال پیچیده‌ای است که شیوع بالایی داشته و جنبه‌های مختلف زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عوامل گسترده‌ای در پیدایش، تداوم و درمان این اختلالات نقش دارند. مهم‌ترین این عوامل شامل عوامل زیست‌شناختی، روانشناختی، اجتماعی، خانوادگی و تحولی است. در دهه‌های اخیر شناسایی عوامل موثر در بروز اعتیاد، پیشگیری و درمان آن حجم زیادی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. برخی از درمان‌های مفید اعتیاد از نظریه دلبستگی نشات گرفته‌اند (پرتر، ۲۰۰۷). سبک دلبستگی نقش مهمی در چگونگی سازگاری افراد و پیشگیری از انجام رفتارهای خطر ساز مثل اعتیاد دارد (نیکرسون و ناگل، ۲۰۰۵). روانشناسی تحولی پیوند عاطفی بین نوزاد و مادر را دلبستگی می‌نامد. نظریه دلبستگی اولین بار توسط بالبی (۱۹۸۳) مطرح شد. طبق این نظریه در طول زمان یک الگوی پایدار بین نوزاد و مراقب اولیه شکل می‌گیرد که منشا باورها و انتظارات آینده فرد می‌شود و بر روابط، احساسات و رفتارهای آتی وی تاثیر می‌گذارد (بالبی، ۱۹۸۳). بالبی (۱۹۸۳) مدل فعال ساز درونی را بر اساس دو متغیر مطرح کرد: قضاوت درباره استقلال و مسئول بودن نماد دلبستگی و قضاوت در مورد ارزش خود به عنوان یک موضوع. مدل فعال ساز درونی، راهبردی را شکل می‌دهد که فرد در روابط خود و دیگران از آن استفاده می‌کند، این الگوی ارتباطی به عنوان سبک دلبستگی معنی می‌شود (پرتر، ۲۰۰۷). به اعتقاد بالبی در این الگوی ارتباطی فرد می‌تواند خود و دیگران را مثبت یا منفی ببیند (بسولومیو، ۱۹۹۰). سبک دلبستگی ایمن زمانی شکل می‌گیرد که فرد مدل مثبتی از خود و دیگران داشته باشد و کودکان با سبک دلبستگی ایمن دارای تجارب سرشار از ایمنی و به دور از اضطراب مختل‌کننده هستند. در مقابل مشخصه سبک نایمن، اضطراب و اجتناب است. سبک اضطرابی با مدل منفی از خود مشخص شده در حالی که سبک اجتنابی با مدل منفی از دیگران مشخص می‌گردد (فینی و نولر، ۱۹۹۶). کودکان با سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دو سوگرا) دنیا را محیطی ناامن و استرس‌زا

تصور کرده و توانایی موثر و سازنده با مشکلات و موقعیت‌های تنش‌زا را ندارند (فلورز^۱، ۲۰۰۴). سبک دلبستگی با عملکردها و اختلالات دوران بزرگسالی مرتبط است. جدایی از منبع ایمنی‌بخش (مادر/مراقب اصلی) می‌تواند با گسستگی ارتباط فرد با دیگر افراد جامعه و گرایش او به سمت مواد مخدر و پناه بردن به رؤیایها به منظور فرار از ترس‌ها و اضطراب‌ها ارتباط داشته باشد. کودکان با پرورش سبک دلبستگی ناایمن، شخصیتی بی-عاطفه خواهند داشت که مشخصه آن کناره‌گیری هیجانی، فقدان احساس، ناتوانی در برقراری روابط محبت‌آمیز و عاطفی با دیگران است که باعث می‌شود به سمت اعتیاد گرایش پیدا کنند. در این شرایط احتمال همراهی تجربه عواطف منفی، مهارت‌های مقابله‌ای ضعیف، مکانیزم‌های رشد نیافته، سبک شناختی معیوب، تعارض درون‌روانی و بین شخصی با سبک دلبستگی ناایمن بیشتر است. این عوامل احتمال سوء مصرف مواد را افزایش می‌دهند (برهانی، ۲۰۱۳).

سبک‌های دلبستگی می‌تواند با سوء مصرف مواد، مشکلات عاطفی، هیجانی و بین فردی در بزرگسالی همراه باشد (پالک و زیاک^۲، ۲۰۱۳؛ دوماس، بلاسی و میشل^۳، ۲۰۰۶؛ مولنار، سادوا، دکورویل و پریر^۴، ۲۰۱۰؛ ثوربرگ و لیورز^۵، ۲۰۱۰). دیویدسون و ایرلند^۶ (۲۰۰۹) رابطه بین مصرف مواد را با سبک مقابله‌ای، خصوصیات شخصیتی و سبک‌های دلبستگی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که افراد با خصوصیات شخصیتی بیمارگونه دارای سبک دلبستگی ناایمن بودند. دلایل محکمی بر این باور وجود دارد که سبک دلبستگی ناایمن با نگرش مختل نسبت به خود رابطه دارد (برهانی، ۲۰۱۳). افراد با سبک دلبستگی ناایمن ممکن است مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط را نداشته باشند که باعث اضطراب و افسردگی می‌شود. از آنجا که این افراد به احتمال کمتری درگیر رابطه حمایتی می‌شوند، در زمان استرس، جهت‌سازگاری با شرایط به مصرف مواد روی می‌آورند (کسل، وارد و رابرتز^۷، ۲۰۰۷). به اعتقاد ثوربرگ و لیورز (۲۰۰۶) مراجعان تحت درمان سوء مصرف مواد سطوح بالاتری از سبک دلبستگی ناایمن و ترس از

صمیمیت را گزارش کرده‌اند. سبک دلبستگی قادر به پیش بینی مشکلات صمیمیت و عملکردهای بین فردی و درون فردی در افراد سوءمصرف کننده مواد مخدر است (ثوربرگ و لیورز، ۲۰۱۰). نتایج تحقیق مولنار و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که سبک دلبستگی اضطرابی عامل خطر ساز سوءمصرف مواد است. کاسپر، کادورت، لانگبن، یوکوس و تروتمن^۱ (۲۰۰۵) رابطه بین سومصرف مواد و سبک دلبستگی ناایمن را به اثبات رساندند. دریک و وانهل^۲ (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که سبک دلبستگی ناایمن باعث رفتارهای ناکارآمد و اختلالات شخصیت شود. نتایج پژوهش جونز^۳ (۲۰۰۹) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و ناایمن می‌تواند وابستگی به مواد و سابقه جرم و جنایت در زندانیان را پیش بینی کند. تعاملات اجتماعی اولیه، مدل فعال ساز درونی و خصوصیات روانشناختی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (فینکل و ماتنی^۴، ۲۰۰۰؛ گروای^۵، ۲۰۰۹؛ رویزمن و فرالی^۶، ۲۰۰۸) و در اختلالات روانشناختی و عدم تنظیم هیجانی نقش مهمی ایفا می‌کند (ودکیند^۷ و همکاران، ۲۰۱۳).

خصوصیات شخصیتی یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل پیش بینی کننده رفتارهای اعتیادی است. برخی نظریه‌ها توضیح داده‌اند که دامنه وسیعی از عوامل شخصیتی، شروع و تداوم مصرف مواد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. طبق نظریه شخصیت آیزنک^۸ (۱۹۹۷) بین اختلالات مصرف مواد و برونگرایی، روان نژندی، تکانشگری و هیجان‌طلبی رابطه وجود دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که خصوصیات شخصیتی خاصی در افراد وابسته به مواد وجود دارد (گران^۹ و همکاران، ۲۰۰۴؛ گرانا، مونوز و نواز^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ رحمانیان، جنا و سمیعی، ۲۰۱۲؛ رحمانیان، ۲۰۰۸ و رحمانیان و حسنی، ۱۳۸۴). برای مثال در تحقیقی که توسط رحمانیان و جنا (۲۰۱۳) صورت گرفت، نتایج نشان داد که خصوصیات شخصیتی افراد وابسته به مواد افیونی و افراد عادی تفاوت معناداری دارند، به طوری که برون‌گرایی و روان نژندی در افراد وابسته به مواد بیشتر از افراد عادی بود. علاوه بر این، نتایج تحقیق

1. Caspers, Cadoret, Langbehn, Yucuis & Troutman

2. De Rick & Vanheule

5. Gervai

8. Eysenck

3. Jones

6. Roisman & Fraley

9. Grant

4. Finkel & Matheny

7. Wedekind

10. Grana, Munoz & Navas

واکنش^۱ (۲۰۰۷) نیز نشان داد افراد دارای شخصیت ضداجتماعی، پرخاشگر-منفعل، و مضطرب در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به سوء مصرف مواد هستند. با توجه به پیشینه تحقیقاتی و تاثیر سبک دلبستگی ناایمن و خصوصیات شخصیت در شکل گیری اختلالات ناشی از سوء مصرف مواد، در پژوهش حاضر نقش تعدیل کنندگی خصوصیات شخصیتی در رابطه بین سبک دلبستگی با نگرش به سوء مصرف مواد مورد بررسی قرار گرفت.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جهت بررسی و پیش بینی رابطه بین متغیرها از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد. جامعه آماری عبارت بود از: دانشجویان جدید الورد نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه پیام نور تهران جنوب. از بین این افراد ۲۱۰ نفر به روش تصادفی انتخاب شدند. به دلیل ناقص بودن ۲۰ پرسش نامه کنار گذاشته شد و در نهایت محاسبات بر اساس اطلاعات ۱۹۰ نفر انجام شد. میزان ۷۷/۹ درصد از کل شرکت کنندگان مرد و ۲۲/۱ درصد زن بودند. ۷۳/۷ درصد از شرکت کنندگان در مقطع کارشناسی و ۲۴/۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. مقیاس تحصیلی ۲/۱ درصد از شرکت کنندگان مشخص نشده بود. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی ها $24/45 \pm 12/91$ سال بود.

ابزار

۱- پرسش نامه بازنگری شده دلبستگی بزرگسالان: این پرسش نامه توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) ساخته شده و شامل خودارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی به دلبستگی های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ گویه و سه زیرمقیاس (هر کدام شامل ۶ گویه) است. سه زیرمقیاس عبارتند از: الف) وابستگی - میزانی که افراد به دیگران اعتماد می کنند و به آن ها متکی می شوند- به صورت این که آیا در مواقع لزوم افراد قابل

اعتماد در دسترس اند، اندازه گیری می شود. ب) نزدیک بودن - میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند. ج) اضطراب - ترس از داشتن رابطه را می سنجد (مالینکروودت و همکاران، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). کولینز ورید (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیف هایی که در پرسش نامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسش نامه خود را فراهم کرده اند. زیرمقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد؛ بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن می باشد و زیرمقیاس وابستگی را می توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد.

نمره گذاری بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه ای است (۰=اصلاً ویژگی من نیست تا ۴=کاملاً ویژگی من است). سوالات ۱، ۶، *۸، *۱۳، *۱۲، *۱۷ مربوط به دلبستگی ایمن؛ سوالات *۲، *۵، *۱۶، *۱۴، *۷، *۱۸ مربوط به دلبستگی اجتنابی و سوالات ۴، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ مربوط به دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی می باشند. سوالاتی که با علامت ستاره مشخص شده اند باید معکوس نمره گذاری شوند. نتایج تحلیل عاملی این سه مولفه را نشان داده است (روایی سازه). کولینز ورید میزان آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس های دلبستگی ایمن، اجتنابی، و دوسوگرا در دو نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۲؛ ۰/۷۸ و ۰/۸۰؛ و ۰/۸۵، ۰/۸۳ گزارش نمودند. پاکدامن (۱۳۸۲) در ایران با استفاده از روش بازآزمایی اعتبار کل مقیاس را ۰/۹۵ گزارش نمود.

۲- پرسش نامه شخصیت آیزنک (فرم بزرگسالان): این پرسش نامه توسط آیزنک در ۱۹۶۳ جهت سنجش برخی جنبه های شخصیت مانند درون گرایی و برون گرایی و همچنین تشخیص برخی اختلالات شخصیتی مانند روان گسستگی، جامعه ستیزی، روان آزدگی و مقبولیت اجتماعی ساخته شد. بعدها تغییر شکل پیدا کرد و به مرور زمان به شکل امروزی در آمد. یک پرسش نامه خودسنجی شخصیت است که دارای ۹۰ گویه است که علاوه بر سه مولفه برون گرایی، روان پریشی و روان نژندی، دروغ پردازی را هم می سنجد. برای هر یک از گویه ها دو گزینه «بلی» و «خیر» وجود دارد که در برخی از آن ها گزینه «بلی» نمره

۱ و «خير» صفر و در برخى ديگر «بلى» نمره صفر و «خير» ۱ مى گيرد. نحوه نمره گذارى فرم بزرگسالان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نمره گذارى پرسش نامه شخصيت آيزنك فرم بزرگسالان

عوامل	گويه ها
روان گسستگى P	بلى ۲۲، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۶۵، ۶۷، ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۸۷
	خير ۲، ۶، ۹، ۱۱، ۱۸، ۳۷، ۵۳، ۵۷، ۶۱، ۷۱، ۹۰
روان آزرده گى N	بلى ۷، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۱، ۴۷، ۵۴، ۵۸، ۶۲، ۶۶
	خير ۶۸، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۳، ۸۸
برون گرايى E	بلى ۱، ۵، ۱۰، ۱۴، ۲۵، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۴۵، ۴۹، ۵۲، ۵۶، ۶۰، ۶۴، ۷۰، ۸۲، ۸۶
	خير ۲۱، ۲۹، ۴۲
دروغ L	بلى ۱۳، ۲۰، ۳۵، ۳۵، ۷۸، ۸۹
	خير ۴، ۸، ۱۶، ۲۴، ۲۸، ۳۹، ۴۴، ۴۸، ۵۱، ۵۹، ۶۳، ۶۹، ۷۳، ۸۱، ۸۵

ضرايب آلفاى كرونباخ سه مولفه برون گرايى، روان آزرده گى و دروغ پزدازى از ۰/۷۹ تا ۰/۸۵ و مولفه روان گسستگى از ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ گزارش شده است (آيزنك و آيزنك، ۱۹۸۵). اعتبار پرسش نامه از طريق باز آزمائى در فاصله يك ماه براى افراد عادى در مولفه برون گرايى، روان آزرده گى و دروغ پزدازى از ۰/۸ تا ۰/۹ و براى مولفه روان گسستگى از ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ به دست آمد (سپيلبرگر، رهيزر، كارلوس و فوريت، ۲۰۰۰). در نمونه ايرانى ضريب اعتبار با روش باز آزمائى به فاصله دو ماه، به شرح زير گزارش شد. $P=0/72$ ، $E=0/92$ ، $N=0/89$ و $L=0/88$ كه نشان دهنده اعتبار بسيار بالا و قابل قبول اين پرسش نامه است (كاويانى، ۱۳۸۲). در تحقيقاتى براهنى (به نقل از گنجى، ۱۳۹۱) اعتبار مولفه هاى E، N، و L را به ترتيب ۰/۶۹، ۰/۷۷، و ۰/۴۷ گزارش نمود.

۳- پرسش نامه نگرش نسبت به اعتياد و مواد مخدر: اين ابزار خود گزارش دهى توسط نظرى (۲۰۰۰) ساخته شد و شامل ۳۲ گويه مى باشد كه به صورت ليكرتى نمره گذارى مى شود و در مورد گويه هاى بانگرش مثبت به اعتياد به هر يك از پاسخ هاى "كاملاً

موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم" به ترتیب نمره‌های ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ داده می‌شود و در مورد گویه‌های با نگرش منفی به اعتیاد، نمره گذاری به ترتیب معکوس انجام می‌شود (به هر یک از پاسخ‌های "کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم" به ترتیب نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ داده می‌شود). بنابراین دامنه نمرات فرد در این پرسش‌نامه بین ۳۲ تا ۱۶۰ درنوسان خواهد بود و کسب نمره بالاتر نشانگر نگرش مساعد و مطلوب نسبت به اعتیاد و مصرف مواد مخدر است. اعتبار صوری و محتوایی و همچنین اعتبار فرم موازی و همسانی درونی این مقیاس مطلوب گزارش شده است. میزان همسانی درونی این آزمون توسط ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شد (نظری، ۲۰۰۰).

یافته‌ها

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	روان‌پرسی	روان‌نژندی	برون-گرایی	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی ایمن
نگرش به مواد	۰/۰۳۳	۰/۲۰۸**	-۰/۰۴۵	۰/۰۹۸	۰/۲۰۲**	-۰/۰۱۵
دلبستگی ایمن	۰/۰۷۲	۰/۱۳۶	۰/۰۷۲	۰/۰۱۸	۰/۰۵۴	-
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۳۹	۰/۳۲۲**	۰/۱۰۱	۰/۱۰۷	-	-
دلبستگی اضطرابی	۰/۰۰۸	۰/۱۵۰*	۰/۰۲۹	-	-	-
برون‌گرایی	۰/۱۰۷	۰/۱۷۵*	-	-	-	-
روان‌نژندی	۰/۴۲۸**	-	-	-	-	-

* $p \leq 0.05$ & ** $p \leq 0.01$

جهت بررسی اثر تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های شخصیتی بر رابطه بین سبک دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و نگرش به مواد به عنوان متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون استفاده شد. بر اساس مدل بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) به منظور بررسی اثر متغیر تعدیل‌کننده بر استحکام رابطه بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین، تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی، روش آماری مناسبی می‌باشد. به این منظور اثر اصلی متغیر پیش‌بین و تعدیل‌کننده بر متغیر

1. Baron & Kenny

ملاك و همچنين اثر تعاملی پيش بين \times تعديل كننده روی متغير ملاك بايد بررسی شود (فرايزر، تيكس و بارون، ۲۰۰۴). نتايج تحليل در جدول زير ارائه شده است.

جدول ۳: تحليل رگرسيون برای اثر تعديل كنندگی ویژگی های شخصيتی بر رابطه سبك دلبيستی و نگرش به مواد

مراحل	متغير ملاك: نگرش به مواد	آماره F	ΔR^2	آماره t	β	معناداری
متغيرهای پيش بين						
۱	سبك دلبيستی ايمن	۳/۰۹۶	۰/۰۴۸	-۰/۳۷۶	-۰/۰۲۷	۰/۷۰۷
	سبك دلبيستی اجتنابی			۲/۷۱۴	۰/۱۹۶	۰/۰۰۷
	سبك دلبيستی اضطرابی			۱/۰۷۶	۰/۰۷۷	۰/۲۸۳
متغير تعديل كننده						
۲	روان پریشی	۲/۱۳۵	۰/۰۳۲	-۰/۷۷۵	-۰/۰۶۱	۰/۲۳۰
	روان نژندی			۲/۳۴۹	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰
	برونگرایی			-۱/۲۰۵	-۰/۰۸۷	۰/۴۳۹
پيش بين \times تعديل كننده						
۳	دلبيستی اجتنابی \times روان پریشی	۰/۹۶۰	۰/۰۴۴	-۰/۰۹۳	-۰/۰۱۱	۰/۹۲۶
	دلبيستی اجتنابی \times روان نژندی			۱/۹۱۰	۰/۱۸۵	۰/۰۵۰
	دلبيستی اجتنابی \times برون گرایی			-۱/۱۰۵	-۰/۱۰۶	۰/۲۷۱

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود نتايج مرحله اول نشان داد نمرات سبك دلبيستی اجتنابی پيش بينی كننده نگرش نسبت به مواد می باشند. به طوری که ۴/۸٪ از واریانس نگرش به مواد توسط سبك دلبيستی اجتنابی تبیین می گردد. در مرحله دوم جهت بررسی قدرت پيش بين كنندگی ویژگی های شخصيتی بر نگرش به مواد، نمرات سه ویژگی برون گرایی، روان پریشی و روان نژندی، به عنوان تعديل كننده وارد تحليل رگرسيون شد. نتايج دومین مرحله نشان داد که ۳/۲٪ از واریانس نگرش به مواد توسط روان نژندی تبیین می شود. از آنجایی که صرفاً رابطه نگرش به مواد و سبك دلبيستی اجتنابی معنادار بود، به منظور بررسی اثر تعديل كنندگی ویژگی های شخصيت بر استحکام

رابطه نگرش به مواد و سبک دلبستگی، اثر تعاملی هر یک از ویژگی‌های شخصیتی با سبک دلبستگی اجتنابی وارد مرحله سوم معادله رگرسیون شد. نتایج این مرحله نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی تنها روان‌نژندی تعدیل‌کننده رابطه نگرش به مواد و سبک دلبستگی اجتنابی بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل‌کنندگی خصوصیات شخصیت در رابطه بین سبک دلبستگی و نگرش به مواد بود. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نگرش به مواد باشد و ویژگی شخصیت روان‌نژندی تعدیل‌کننده این رابطه است. نتایج با مطالعات پالک و زایاک (۲۰۱۳)، دوماس و همکاران (۲۰۰۶)، مولنار و همکاران (۲۰۱۰)، ثوربرگ و لیورز (۲۰۱۰) و ویلیامز و کلی (۲۰۰۵) همسو است. سبک دلبستگی نقش مهمی در مواجهه با موقعیت‌های دشوار زندگی و مقابله با استرس دارد. به اعتقاد ویلیامز و کلی (۲۰۰۵) افراد نایمن برای فرونشانی عواطف و احساسات منفی از مصرف مواد به عنوان یک مکانیزم خوددرمانی استفاده می‌کنند. عواملی مثل عدم تعامل مناسب بین کودک و مادر، محرومیت عاطفی در دوران کودکی، اعتماد کم و فاصله زیاد بین والدین و فرزند می‌توانند توان مقابله فرد با موقعیت‌های استرس‌زا را کاهش داده و او را به سمت مصرف مواد مخدر سوق دهد (واکالا، هریسون، جانزن، ۲۰۰۱). بر اساس نظر بالبی، نخستین روابط دلبستگی باعث رشد آن‌ها است. این الگوها، عملکرد فرد در طول زندگی را مشخص کرده و خصوصیات شخصیت وی را شکل می‌دهد (هینن، ساندرمن و اسپرانگر، ۲۰۰۹). وقتی کودک منبع عاطفی خود را مسئولیت‌پذیر و در دسترس نداند، در وی سبک دلبستگی اجتنابی پدید می‌آید. بارزترین خصوصیات این افراد این است که خود و دیگران را منفی تلقی کرده و چون در رابطه احساس امنیت ندارند از لحاظ شخصیتی فردی روان‌نژند و مضطرب شده و

برای غلبه بر عواطف منفی و بیشینه یا کمینه کردن نیازهای دلبستگی تلاش‌هایی را انجام می‌دهند که احتمال آسیب‌پذیری در آن‌ها را افزایش می‌دهد (هیرچی، ۱۹۶۹). علاوه بر این، نظریه خودتحقیری کاپلان (۱۹۸۰) نیز می‌تواند توجیه‌کننده نتایج تحقیق حاضر باشد. بر اساس این نظریه، افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن ممکن است با گرایش به گروه‌های نامتعارف سعی می‌کنند تا احساس پذیرش اجتماعی و خودارزشمندی را کسب کنند. اغلب در این بافت، امکان مواجهه با دوستان و افراد تقویت‌کننده مصرف مواد وجود دارد. از نقطه نظر دیگر نمرات بالا در روان‌نژندی می‌تواند با عدم ثبات هیجانی در افراد همراه باشد (رحمانیان و جانا، ۲۰۱۳). بنابراین، فردی که دلبستگی اجتنابی داشته و ثبات عاطفی نداشته باشد، احساس عدم امنیت می‌کند و تمایل به وابستگی به یک منبع عاطفی دارد. از آنجا که این افراد فقدان این منبع را تجربه کرده‌اند جهت رسیدن به ثبات، تمایل بیشتری به مصرف مواد مخدر دارند. این نکته روشن است که در افراد با سبک دلبستگی ناایمن فقدان اعتماد به نفس و خودتنظیمی وجود دارد. از آنجا که این افراد به خاطر عدم حمایت و تایید خانواده، احساس طرد شدگی از طرف شبکه اجتماعی را دارند و احساس می‌کنند که بر زندگی کنترل ندارند، اعتماد به نفس آن‌ها کاهش یافته و احساس گناه و ناامیدی می‌کنند. در نتیجه اضطراب و استرس شدیدی را تجربه کرده که منجر به عدم سازگاری با مشکلات می‌گردد و برای کنترل شرایط روانی خود به سمت رفتارهای پرخطر از جمله مصرف مواد می‌روند. شاید بتوان گفت که مشکل اصلی گرایش به اعتیاد در افراد با دلبستگی اجتنابی مشکل در ایجاد رابطه است و همبستگی بالا با روان‌نژندی دارد (کسل و همکاران، ۲۰۰۷). در واقع اگر افراد با دلبستگی اجتنابی را افرادی بدانیم که دارای اعتماد به نفس پایین و اضطراب هستند، روشن خواهد بود که برای این افراد قرار گرفتن در یک رابطه اطمینان بخش مشکل است و عدم موفقیت در برقراری ارتباط و یا طرد موجب می‌شود فرد در جستجوی پایگاه ایمن بخشی باشد. با توجه به آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دلبستگی ناایمن و گرایش به روان‌نژندی را از آن جهت مرتبط با گرایش به مواد دانست که هر دو در پایه اضطراب مشترک هستند. از یک

طرف مصرف مواد باعث کاهش اضطراب برای برقراری روابط بین فردی می‌گردد و از طرف دیگر فرد مواد را به عنوان پایگاه ایمن در دسترس انتخاب کرده و با مصرف مواد خود را از برقراری روابط بی‌نیاز می‌سازد. پرورش با سبک دلبستگی اجتنابی شرایطی را برای فرد فراهم می‌آورد که پرورش دهنده خصلت روان‌نژندی بوده که خود مزید بر علت موجب تخریب روابط و گرایش به سمتی است که کمتر نیازمند روابط بوده و برای فرد ایمن بخش است. نتایج این تحقیق می‌تواند کاربردهای زیادی در راستای تدوین برنامه‌های آموزشی و درمانی جهت پیشگیری از مصرف مواد در جمعیت آسیب پذیر داشته باشد. از آنجا که تحقیق حاضر صرفاً روی نمونه‌ای از دانشجویان صورت گرفت، جهت تعمیم پذیری بیشتر پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده نمونه‌ای خارج از دانشگاه و با سطح تحصیلات متفاوت را مورد هدف قرار دهند.

منابع

- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی، پایان نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- رحمانیان، مهدیه؛ حسنی، جعفر (۱۳۸۴). مقایسه هیجان طلبی در افراد سومصرف کننده مواد و بهنجار. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۱(۳)، ۳۳۵-۳۴۱.
- کاویانی، حسین (۱۳۸۲). *نظریه زیستی شخصیت*. تهران: نشر سنا.
- گنجی، حمزه (۱۳۹۱). *ارزشیابی شخصیت، ویرایش دوم*، تهران: نشر ساوالان.
- Baron, R.M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Batholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: An attachment perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, 7, 147-178.
- Borhani, Y. (2013). Substance abuse and insecure attachment styles: a relational study. *Journal of Transdisciplinary Writing and Research from Claremont Graduate University*, 2(1), 142-159.
- Bowlby, J. (1983). *Attachment: Attachment and Loss*. Basic Books: New York, 2nd Ed.
- Caspers, K.M., Cadoret, R.J., Langbehn, D., Yucuis, R., & Troutman, B. (2005). Contributions of attachment style and perceived social support to lifetime use of illicit substances. *Addictive Behaviors*, 30, 1007-1011.
- Davidson, S. & Ireland, C.A. (2009). Substance misuse: the relationship between attachment styles, personality traits and coping in drug and non-drug users. *Drugs and Alcohol Today*, 9 (3), 22-27.

- De Rick, A., & Vanheule, S. (2007). Attachment styles in alcoholic inpatients. *European Addiction Research*, 13, 101-108.
- Doumas, D.M., Blasey, C.M., & Mitchell, S. (2006). Adult attachment, emotional distress, and interpersonal problems in alcohol and drug dependency treatment. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 24 (4), 41-54.
- Eysenck, H. J. (1997). Addiction, personality and motivation. *Human Psychopharmacology*, 12, 79-87.
- Eysenck, H.J., Eysenck M.W. (1985). *Personality and individual differences: A natural science approach*. New York: Plenum.
- Feeney, J. & Noller, P. (1996). *Adult attachment*. Sage: Thousand Oaks.
- Finkel, D., Matheny, A.P. (2000). Genetic and environmental influences on a measure of infant attachment security. *Twin Research*, 8, 242-250.
- Flores, P.J. (2004). *Addiction as an attachment disorder*. New York: Jason Aronson, Inc.
- Frazier, P. A., Tix, A. P., & Barron, K. E. (2004). Testing moderator and mediator effects in counseling psychology research. *Journal of Counseling Psychology*, 51, 115-134.
- Gervai, J. (2009). Environmental and genetic influences on early attachment. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 8(1), 25-28.
- Grana, J. L., Munoz, J. J., & Navas, E. (2008). Normal and pathological personality characteristics in subtypes of drug addicts undergoing treatment. *Personality and Individual Differences*, 46(4), 418-423.
- Grant, B. F., Stinson, F. S., Dawson, D. A., Chou, S. P., Ruan, W. J., & Pickering, R. P. (2004). Co-occurrence of 12-month alcohol and drug use disorders and personality disorders in the United States: Results from the National Epidemiologic Survey on Alcohol and Related Conditions. *Archives of General Psychiatry*, 61(4), 361-368.
- Hinnen, C., Sanderman, R., Sprangers, M.A. (2009). Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 16(1), 10-21.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency* (Transaction Publishers 2002 edition Ed.) Berkeley: University of California Press
- Jones, R.A. (2009). *Relationships between attachment styles, offense history, and substance abuse in jail population's*. unpublished dissertations. Regent University
- Kaplan, H.B. (1980). *Deviant behavior in defense of self*. Academic Press New York.
- Kassel, J. D., Wardle, M., & Roberts, J.E. (2007). Adult attachment security and college substance use. *Addictive Behaviors*, 32(6), 1164-1176.
- Molnar, D.S., Sadava, S.W., De Courville, N.H., & Perrier. C. P. K. (2010). Attachment, motivations, and alcohol: testing a dual-path model of high-risk drinking and adverse consequences in transitional clinical and student samples. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 42 (1), 1-13.
- Nazari, M.A. (2000). *The role of advertising in Attitude change of students toward addiction of Region 16 in Tehran*. Unpublished dissertation, Tehran: Faculty of psychology: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences.
- Nickerson, A.B., Nagle, R.J. (2005). Parent and peer attachment in late childhood and early adolescence. *The Journal of Early Adolescence*, 25(2), 223-249.
- Paulk, A., & Zayac, R. (2013). Attachment style as a predictor of risky sexual behavior in adolescents. *Journal of Social Sciences*, 9 (2), 42-47.

- Porter, J (2007). Addiction and attachment theory. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 48(3), 262-287.
- Rahmanian, M. (2008). Assessment of antisocial behavior in opium dependents. *Indian Journal of Clinical Psychology*, 35(2), 147-155.
- Rahmanian, M., Jena, S.P.K., & Samiee, S. (2012). A cross cultural study of behavioral characteristics in Iranian and Indian opium dependents. *Journal of Science and Its Applications*. 1(1), 1-11.
- Rahmanian, M.; Jena, S.P.K. (2013). Cross cultural evaluation of personality characteristics in addicts, *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3(2), 356-362
- Roisman, G.I., Fraley, R.C. (2008). Behavior-genetic study of parenting quality, infant-attachment security, and their covariation in a nationally representative sample. *Developmental Psychology*, 8, 831-839.
- Spielberger, C.D., Reheiser, E.C., Carlos, P.W.S., Foreyt, J.P. (2000). Personality, motivational and situational determinants of regular and occasional use of smokeless tobacco. *Personality Individual Differences*, 28, 1159-1170.
- Thorberg, F.A., & Lyvers, M. (2006). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. *Addictive Behaviors*, 31(4), 732-737.
- Thorberg, F.A., & Lyvers, M. (2010). Attachment in relation to affect regulation and interpersonal functioning among substance use disorder in patients. *Addiction Research and Theory*, 18 (4), 464-478.
- Vakalahi, H.F., Harrison, R.S., Janzen, F.V. (2001). The influence of family-based risk and protective factors on adolescent substance use. *Journal of Family Social Work*. 4(1), 21-34.
- Vaknin, S. (2007). *Malignant self-love: Narcissism revisited*. Macedonia: Narcissus Publications.
- Wedekind, D., Bandelow, B., Heitmann, S., Havemann, U., Engel, K.R., Huether, G. (2013). Attachment style, anxiety coping, and personality-styles in withdrawn alcohol addicted inpatients, *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 8(1), 1-13.
- Williams, S.K., Kelly, F.D. (2005). Relationships among involvement, attachment, and behavioral problems in adolescence: examining father's influence. *The Journal of Early Adolescence*, 25(2), 168-96.